

بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک

دکتر نستر ادیب راد

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

مجتبی ادیب راد

وکیل دادگستری و مشاور حقوقی



چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک انجام گرفته است. نمونه مورد مطالعه ۱۰۰ نفر بودند. ۵۰ نفر از زنانی که برای طلاق به مراکز قضایی مراجعه کرده و ۵۰ نفر از زنانی که مایل به ادامه زندگی مشترک بودند از جامعه در دسترس به طور تصادفی انتخاب شدند و به دو مقیاس باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی پاسخ دادند. فرضیه‌های تحقیق عبارت بود از: بین باورهای ارتباطی و خرده مقیاس‌های آن در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت وجود دارد. بین رابطه دلزدگی زناشویی و باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت معنی دار وجود دارد. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنی دار بین باورهای ارتباطی (کل) و خرده مقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی، مخالفت، انتظار ذهن خوانی و تغییرناپذیری همسر بود ولسی تفاوت بین دو خرده مقیاس کمال‌گرایی جنسی و باور به تفاوت جنسیتی در دو گروه معنی دار نبود. نتایج همچنین نشان‌دهنده تفاوت معنی دار بین دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک بود. تفاوت رابطه بین دلزدگی زناشویی و باورهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک معنی دار بود.

مقدمه

بسیاری از همسران زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می‌کنند. در این زمان هرگز به این موضوع نمی‌اندیشند که روزی ممکن است شعله عشق آنان به خاموشی گراید. ایس (۱۳۷۹) عنوان می‌کند زوج‌هایی که به تازگی ازدواج کرده‌اند، کمتر به این فکر می‌افتند که ممکن است زمانی عشق افسانه‌ای آن‌ها کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است. دلزدگی از عشق یک روند تدریجی است و به ندرت به طور ناگهانی بروز می‌کند. در واقع صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می‌بازد و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می‌شود. در شدیدترین نوع آن دلزدگی برابر است با فروپاشی رابطه (پاینز، ۱۳۸۱).

دلزدگی عبارت از، از پا در افتادن جسمی، روانی و عاطفی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت‌ها ناشی می‌شود. دلزدگی با علائمی از قبیل از پا در افتادن جسمی نشانگانی مانند احساس خستگی، کسالت، بی‌حالی، سردردهای مزمن، دردهای شکمی، کم‌اشتهایی و پرخوری را به دنبال دارد. از پا در افتادن عاطفی با احساس آزرده‌گی، عدم تمایل به حل مشکلات، ناامیدی، غمگینی، احساس تهی بودن، بی‌معنایی، افسردگی، احساس بی‌کسی، احساس بی‌انگیزگی، دردام افتادگی، بیهودگی، آشفتگی عاطفی و حتی انگیزه‌های خودکشی مشخص می‌شود (فرامو به نقل از ویتا کروکیت، ۱۳۷۵) و از پا در افتادگی روانی که به شکل کاهش خودباوری، نظرمنفی نسبت به همسر، احساس یأس و سرخورده‌گی نسبت به همسر، ناکامی در مورد خود و دوست نداشتن خود مشخص می‌شود (پاینز، ۱۳۸۱).

عوامل زیادی در بروز دلزدگی زناشویی نقش دارند. یکی از این عوامل توقعات غیرمنطقی و غیر واقع‌بینانه است. افراد مختلف در برخورد با محیط، روش‌های متفاوتی دارند. ممکن است یک محیط به نظر کسی پرتنش و مضطرب‌کننده باشد ولی از منظر شخصی دیگرهیجان‌انگیز و سراسر چالش باشد. دلزدگی زوج‌ها به سازگاری آنان با باورهایشان بستگی دارد. از نظر بک (۱۳۷۹) وقتی زن و شوهر از عشق و شیفتگی فاصله می‌گیرند، هر حادثه‌ی دل‌سردکننده‌ای برای توجیه برچسب زدن منفی به همسرشان کافی به نظر می‌رسد. شوهر در این شرایط حتی اگر یک بار حساسیت نشان نداد یک فرد بی‌احساس تلقی می‌شود. اگر زن ولو یک بار انتظار محبت شوهر را برآورده نکند نامهربان می‌شود.

این پژوهش با بررسی رابطه دلزدگی زناشویی و باورهای ارتباطی به مقایسه آن در زنان مایل به ادامه زندگی مشترک و زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی می پردازد.

ادبیات مربوط به تحقیق

جکسون، والدرسون ومور، (۱۹۸۰)، به نقل از یانگ ولانگ^۱، (۱۹۹۸) با تأکید بر نقش ارتباط منطقی در جلوگیری از بروز دلزدگی زناشویی تأکید می کنند و شایع ترین مشکلی را که زوج های ناراضی مطرح می کنند عدم موفقیت در برقراری رابطه منطقی دانسته اند. چنانچه اگر همسران نیازهای خود را مطرح نکنند و یا در ارتباط با یکدیگر به نیازهای هم پی نبرند و به راه حل مثبتی جهت دستیابی به نیازهایشان نرسند، استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و نهایتاً دلزدگی بروز پیدا می کند. استاکرت و بورسیک^۲ (۲۰۰۳) رابطه بین باورهای ارتباطی و سبک وابستگی (احساس امنیت، اشتیاق دوسویه و کناره گیری) و نارضایتی در ارتباط متقابل را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که افراد ناایمن (کسانی که بین اشتیاق و کناره گیری قرار دارند) باورهای ارتباطی غیرمنطقی تری نسبت به کسانی که شیوه دلبستگی ایمن دارند، نشان داده اند. دو شیوه وابستگی نا ایمن و پیوستگی قوی، با باورهای غیرمنطقی رابطه معنی دار دارد و عدم رضایت از ارتباط نیز با باورهای غیرمنطقی رابطه دارد.

مولر و وانزیل^۳ (۱۹۹۱) در پژوهشی به آزمون این فرض که بین باورهای ارتباطی و سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد، پرداختند. در این پژوهش ۶۶ زوج سیاهه باورهای ارتباطی IBR^۲ و مقیاس سازگاری زناشویی DAS^۴ را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که بین نمره مقیاس سازگاری زناشویی و نمره خرده مقیاس های بساور به تخریب کنندگی مخالفت (D) و کمال گرایی جنسی (S) همبستگی وجود دارد.

سالیوان و سوویل^۵ (۱۹۹۱) رابطه بین انتظارات جوانان و سطوح باورهای غیرمنطقی مرتبط با نوع ارتباط آن ها و رضایت آن ها از روابط زناشویی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عدم رضایت از زندگی فعلی با سطوح باورهای غیرمنطقی و انتظارات آن ها از رضایت در آینده رابطه دارد.

1. Young & Long

2. Stcert & Bursik

3. Moller & Vanzeyl

4. Dyadic Adjasmnt Scale

5. Sullivan & Schwebel

سلیمانیان (۱۳۷۳) تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی را بررسی کرد و چنین نتیجه گرفت که افراد با تفکر غیرمنطقی به طور معنی داری از نظر رضایت زناشویی در سطح پایین تری قرار دارند.

در پژوهشی که پاینز (۱۹۹۸) انجام داد در آن هجده جنبه از رابطه زناشویی بررسی شد. نتیجه نشان داد که متغیرنگرش (باور) مثبت نسبت به زندگی زناشویی به تنهایی ۰/۵۰ پراکنش را در متغیرهای وابسته دلزدگی زناشویی شامل می شود. در این پژوهش ضریب ثابت ارتباطی پیرسون برای دلزدگی از هجده جنبه رابطه زناشویی، دیدگاه مثبت $\Gamma = -0.72$ و ارتباطات $\Gamma = -0.64$ به دست آمد.

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین رابطه دلزدگی زناشویی و باورهای ارتباطی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی همبستگی استفاده شده است. زیرا در آن متغیرهای موجود بدون دست کاری محقق مورد ارزیابی قرار گرفته است و نیز از روش همبستگی استفاده شده است زیرا رابطه بین متغیرهای دلزدگی و باورهای ارتباطی مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از تمامی زنان ساکن تهران که در آستانه جدایی بوده و به مراکز قضایی مراجعه کرده اند. برای انتخاب نمونه از بین افراد این جامعه ۵۰ نفر از

افراد مراجعه کننده به مراکز قضایی شهر تهران و ۵۰ نفر از زنان ساکن تهران (که طبق اظهارنظر خودشان تصمیم به ادامه زندگی مشترک داشتند) به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند.

ب: ابزار

به منظور اندازه گیری باورهای ارتباطی از سیاهه باورهای ارتباطی استفاده شده است. این سیاهه یک پرسشنامه ۴۰ سؤالی دارد که برای اندازه گیری باورهای غیرمنطقی زندگی زناشویی توسط ایدلسون و اپستین^۱ (۱۹۸۲) ساخته شده و دارای ۵ خرده مقیاس است که عبارتند از: باوربه عدم توافق تخریب کننده است^۲ (پذیرش، ناراحتی و تفسیر منفی اختلاف نظرها)، باور به عدم تغییرپذیری همسر^۳ (اعتقاد به عدم قابلیت همسر در تغییر رفتارها و تکرار آن‌ها در آینده) توقع ذهن خوانی^۴ (انتظار اینکه بدون نیاز به گفتن و اظهار کردن، فرد باید احساسات، افکار و نیازهای همسر خود را بداند)، کمال گرایی جنسی^۵ (انتظار از همسر در ایجاد رابطه جنسی تام و تمام در همه شرایط بدون توجه به شرایط وی)، باور در مورد تفاوت های جنسیتی^۶ (درک صحیح نداشتن از تفاوت های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد به صورت انتظار یکسان، و یا تفاوت های مادرزادی را علت اختلاف دانستن).

پاسخ نامه سیاهه باورهای ارتباطی با طیف لیکرت شامل کاملاً غلط تا کاملاً درست بود. با جمع نمره هر فرد امتیازات مربوط به عبارت هر خرده مقیاس، نمره خرده مقیاس مربوطه محاسبه و با جمع کردن نمره ۵ خرده مقیاس، نمره کل باورهای ارتباطی محاسبه می شود. در این سیاهه نمره بالاتر نشان دهنده داشتن باورهای ارتباطی غیرمنطقی تر است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۱ برآورد شده است و هر خرده مقیاس رابطه معناداری با مقیاس های زناشویی دارد (الیری، ۱۹۸۷). نسخه فارسی این ابزار را مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد تهیه کرده اند.

به منظور اندازه گیری دزدگی زناشویی از پرسشنامه ۲۱ سؤالی استفاده شده است (پاینز، ۱۹۹۸). این مقیاس شامل سه جزء اصلی، از یادداشتدگی جسمی (خستگی، سستی، اختلال خواب

1. Eldelson & Epstain
3. Partner can not change
5. Sexul perfection

2. Disagreemen is destructive
4. Mind reading is expected
6. The sex are different

و...)، از یاد افتادگی عاطفی (افسردگی، ناامیدی، در دام افتادگی و...) و از یاد افتادگی روانی (بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم نسبت به همسر و...) است. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شود (۱=هرگز تا ۷=همیشه)، این طیف نمره درجه دلزدگی زناشویی فرد را نشان می‌دهد. ضریب اطمینان آزمون - بازآزمون ۰/۸۹ و در یک دوره یک ماهه ۰/۷۶ بوده ضریب آلفای اندازه‌گیری شده بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است.

در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی میانگین انحراف استاندارد، مقایسه بین میانگین‌های مستقل، همبستگی، رگرسیون چند متغیره و آزمون تفاوت بین دو همبستگی از گروه‌های مستقل (شیولسون، ۱۳۸۱) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به فرضیه‌های پژوهش یافته‌ها به قرار زیر است.

جدول ۱. مقایسه باورهای ارتباطی دو گروه زنان مایل به ادامه زندگی مشترک و زنان متقاضی طلاق

معنی‌داری	درجه آزادی	t	فراوانی	انحراف استاندارد	میانگین	گروه‌ها	باورهای ارتباطی
۰/۰۰۲	۹۸	۳/۱۴	۵۰	۵/۶۷ ۶/۸۴	۱۵/۰۴ ۱۹/۶	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	تغییر ناپذیری همسر
۰/۰۰۱	۹۸	۳/۳۷	۵۰	۵/۹۱ ۶/۱۵	۱۷/۷۱ ۲۱/۹۸	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	تخریب‌کنندگی مخالفت
۰/۰۰۱	۹۸	۳/۹۳	۵۰	۴/۵۳ ۶/۰۸	۲۱/۲۷ ۲۳/۰۵	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	توقع ذهن خوانی
۰/۱۹	۹۸	۰/۱۱	۵۰	۶/۷۱ ۵/۶	۱۷/۷۵ ۱۷/۶۱	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	کمال‌گرایی جنسی
۰/۷۰	۹۸	۰/۳۸	۵۰	۵/۱۴ ۶/۶۴	۲۰/۷ ۲۰/۲۵	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	تفاوت‌های جنسیتی
۰/۸۰۰	۹۸	۲/۷۱	۵۰	۱۶/۲ ۱۷/۰۷	۱۰۳ ۱۱۳	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	نمره کل

نتایج آزمون t در مورد فرضیه یک در جدول ۱ ارائه شده است. چنانچه مشاهده می شود میزان t محاسبه شده از نظر آماری در سطح $P < 0/001$ در موارد زیر معنی دار است، یعنی میزان باورهای غیر منطقی کلی در زنان مایل به طلاق به طور معنی داری بیشتر از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک است. ($t = 2/71$). میزان باورهای تغییرناپذیری همسر در زنان مایل به طلاق بیشتر از زنان مایل به ادامه زندگی است ($t = 3/14$). چنانچه مشاهده می شود میزان t محاسبه شده از نظر آماری معنی دار است یعنی میزان باورهای ارتباطی تخریب کنندگی مخالفت، در زنان مایل به طلاق بیشتر از زنان مایل به ادامه زندگی است ($t = 3/37$). میزان باورهای ارتباطی توقع ذهن خوانی در زنان مایل به طلاق به طور معنی داری بیشتر از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک است ($t = 3/93$). باورهای ارتباطی کمال گرایی جنسی و تفاوت جنسیتی در زنان متقاضی به طلاق به طور معنی دار بیشتر از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک نیست. بنابراین از بین فرضیه هایی که بین باورهای ارتباطی و خرده مقیاس های آن یعنی باور به تغییرناپذیری همسر، باور به تخریب کنندگی مخالفت و باور به ذهن خوانی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت معنی دار وجود دارد، ولی بین دو خرده مقیاس باور به کمال گرایی جنسیتی و تفاوت جنسیتی بین دو گروه تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

جدول ۲. مقایسه دلزدگی زناشویی دو گروه زنان مایل به ادامه زندگی مشترک و

زنان متقاضی طلاق

دلزدگی زناشویی	گروه ها	میانگین	انحراف استاندارد	فراوانی	t	درجه آزادی	معنی داری
نمره کل	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	۳/۶۴ ۴/۹۴	۳/۲ ۲/۱۳	۵۰ ۵۰	۲/۷۷	۹۸	۰/۰۰۲
از پا افتادگی جسمی	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	۲/۹۸ ۵/۱	۲/۴۳ ۱/۹۶	۵۰ ۵۰	۳/۱۴	۹۸	۰/۰۰۱
از پا افتادگی عاطفی	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	۳/۳۶ ۵/۶۴	۳/۶ ۲/۵۶	۵۰ ۵۰	۲/۶۸	۹۸	۰/۰۰۲
از پا افتادگی روانی	مایل به ادامه زندگی متقاضی طلاق	۳/۲۸ ۴/۸۵	۲/۹۰ ۲/۱	۵۰ ۵۰	۳/۱۱	۹۸	۰/۰۰۵

چنانچه نتایج جدول ۲ نشان می دهد بین میانگین نمره دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک در موارد زیر تفاوت معنی دار (در سطح $P < 0/001$) وجود دارد.

بین نمره کل دلزدگی زناشویی ($t = 2/77$) و سه خرده مقیاس از پسا افتادگی جسمی ($t = 3/14$)، از پسا افتادگی عاطفی ($t = 2/68$) و از پسا افتادگی روانی ($t = 3/11$)، در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت معنی دار وجود دارد. لذا این فرضیه که بین دلزدگی زناشویی و خرده مقیاس های آن در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک تفاوت وجود دارد، تأیید می شود.

جدول ۳. مقایسه تفاوت بین دو ضریب همبستگی باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک

زنان مورد مطالعه	مقیاس ها	میانگین	انحراف معیار	r_{xy}	فراوانی
زنان متقاضی طلاق	باورهای ارتباطی	۱۱۱	۱۸	۰/۶۶	۵۰
	دلزدگی	۴/۸۹	۱/۲۹		
زنان مایل به ادامه زندگی مشترک	باورهای ارتباطی	۱۰۳	۱۶	۰/۴۵	۵۰
	دلزدگی	۳/۶۵	۰/۶۴		

$$Zr_1 - r_2 = 9/75 > 1/6 \quad 0/05$$

$$Zr_1 - r_2 = 9/75 > 2/33 \quad 0/01$$

چنانچه در جدول ۳ مشاهده می شود تفاوت بین دو ضریب همبستگی باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک $Zr_1 - r_2 = 9/75$ در سطح معنی داری $P < 0/05$ و $P < 0/01$ معنی دار است. این بدین معنی است که زنان متقاضی طلاق باورهای ارتباطی غیر منطقی همراه با دلزدگی بیشتری را در مقایسه با زنان مایل به ادامه زندگی مشترک دارا هستند.

جدول ۴. رگرسیون گام به گام دلزدگی زناشویی از روی مؤلفه‌های باورهای ارتباطی

گام	متغیر	R	R ^۲	F	سطح معنی داری	خطای برآورد	B
۱	کل	۰/۴۸	۰/۲۳	۲۲/۸۷	۰/۰۰۱	۷۴/۱۵	۰/۴۸
۲	کل تغییرناپذیری همسر	۰/۵۴	۰/۲۹	۱۹/۹۶	۰/۰۰۱	۷۳/۶۱	۰/۵۷ ۰/۲۵
۳	کل تغییرناپذیری همسر ذهن خوانی	۰/۶۰	۰/۳۶	۱۳/۳۵	۰/۰۰۱	۷۴/۰۳	۰/۷۸ ۰/۳۹ ۰/۳۳

چنانچه از نتایج تحلیل رگرسیون مشخص است در گام اول متغیر نمره کل باورهای ارتباطی وارد معادله پیش بینی شده است، به طوری که نمره کل باورهای ارتباطی به تنهایی ۴۸٪ از تغییرات دلزدگی را تبیین می‌کند. در گام دوم متغیر تغییرناپذیری همسر وارد معادله پیش بینی شده و میزان ضریب تبیین به ترتیب ۵۴٪ و در گام سوم متغیر ذهن خوانی وارد معادله شده و ضریب تبیین را به ۶۰٪ افزایش داده است. ضرایب استاندارد در تمامی گام‌ها در سطح $P < ۰/۰۰۱$ است متغیرهای دیگر باورهای ارتباطی به دلیل اینکه نقش معنی داری در پیش بینی دلزدگی نداشتند وارد معادله پیش بینی نشدند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین باورهای ارتباطی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک صورت گرفته است. نتایج به دست آمده دیدگاه ایس درباره نقش باورها و تفکر در ارتباطات را مورد تأیید قرار می‌دهد. چنانچه زنان در آستانه طلاق به طور معنی‌داری از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک در مقیاس کلی باورهای ارتباطی و خرده مقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، و باور به عدم تغییرپذیری همسر متفاوت هستند. یعنی زنان در آستانه جدایی به طور معنی‌داری تفکراتشان غیر منطقی‌تر از زنان مایل به ادامه زندگی مشترک است. این نتیجه با نتیجه تحقیق مولر و انزیل (۱۹۹۱) هماهنگ است. مولر و انزیل در پژوهش خود

دریافتند که بین باورهای ارتباطی تخریب‌کنندگی مخالفت و عدم سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد. تفاوتی که نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش مولر و انزیل دارد این است که نتایج پژوهش مولر و انزیل نشان‌دهنده رابطه باور به تفاوت‌های جنسیتی و ناسازگاری زناشویی است که این رابطه در پژوهش حاضر مشاهده نشد.

نتیجه این پژوهش همچنین با نتیجه پژوهش سالیوان و سویل (۱۹۹۵) که دریافته بودند بین باورهای ارتباطی غیر منطقی و عدم رضایت زناشویی رابطه وجود دارد هماهنگ است. زیرا پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که نمره باورهای غیر منطقی زنان در آستانه طلاق به طور معنی‌داری از نمره باورهای غیر منطقی زنان مایل به ادامه زندگی مشترک بیشتر است.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بورسینک (۲۰۰۳) که دریافته بود که بین باورهای غیر منطقی ارتباطی و عدم رضایت از زندگی زناشویی ارتباط وجود دارد، نیز هماهنگ است.

نتایج این تحقیق همچنین با نتایج پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) که در ایران انجام گرفت و نشان داد که افراد واجد تفکرات غیر منطقی به طور معنی‌داری از نظر عدم رضایت زناشویی در سطح معنی‌داری قرار دارند، همخوانی دارد.

نتیجه این پژوهش همچنین با پژوهش پاینز (۱۳۸۱) که بیانگر نقش پیش‌گویی‌کننده نگرش مثبت نسبت به زندگی در دلزدگی زناشویی است، همخوانی دارد. این بدان معنی است که باورهای منفی و غیرمنطقی می‌تواند پیش‌گویی‌کننده دلزدگی زناشویی در زنان باشد.

نتایج پیش‌بینی در این پژوهش که نشان می‌دهد نمره کل باورهای ارتباطی نزدیک به نیمی از دلزدگی را پیش‌بینی می‌کند و دو خرده‌مقیاس دیگر مانند باور به تخریب‌کنندگی مخالفت و ذهن‌خوانی که ۰/۶۰ نمره دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، نشان‌دهنده اهمیت باورهای ارتباطی در ایجاد دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق است.

اما نتیجه‌پایانی این است که نهایتاً باورهای ارتباطی نقش بسیار مهمی در رضایت و عدم رضایت از زندگی و نهایتاً دلزدگی زناشویی دارد. این بدان معنی است که تغییر این باورها می‌تواند زمینه‌ساز تداوم زندگی مشترک زوج‌ها باشد. اما در زمینه فرضیه‌هایی که

تأیید نشد دلیل این می‌تواند باشد که در فرهنگ ما مسائل جنسی جزو مسائلی به حساب می‌آید که افراد نمی‌توانند به راحتی درباره آن صحبت کنند. لذا احتمالاً پاسخ‌گویی به سؤالات مربوط به این خرده مقیاس‌ها تحت تأثیر این عامل فرهنگی قرار داشته و نتایج معنی‌دار نشده است.

منابع

- پاینز، آ. (۱۳۸۱). چه کنیم تا عشق رو‌یایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه ف. شاداب. تهران: انتشارات ققنوس.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- فرهنگی، ع. (۱۳۷۹). ارتباطات انسانی. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شیولسون، ر. (۱۳۸۱). استدلال آماری در علوم رفتاری، ترجمه ع. کیامنش، جلد دوم قسمت دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مظاهری، م. ع. و پوراعتقاد، ح. ر. (۱۳۸۲). مقیاس باورهای ارتباطی. چاپ نشده. پژوهشکده خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Eldelson, R. J & Epstein (1982). Cognitive and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*.
- Ellis. A. (1993). *Psychology and value of human being*. New York: Institute for Rational Emotive Therapy.
- Ellis A. & Dryden, W. (1987). *The practice of Rational Emotive Therapy*. New York: Spring.
- Jacobson, N. S. ,Waldron, H. & Moore, D. (1980). Toward a behavioral profile of marital distress. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 49, pp. 69-277.
- Haferkamp, C. (1999). Beliefs about relationships in relation to television

- viewing and self monitoring. *Current psychology vol. 18(2)*. P. 193.
- Moller, A. and Vanzeyl P. D. (1991). Relationship beliefs: Interpersonal perception & marital adjustment. *Journal of Clinical Psychology vol. 47(1)*, P. 286.
- O'Leary. K. D. (1987). *Assessment of marital discord*. USA: Lawrence Erlbaum Association, INC.
- Sullivan B. Shwebel A. (1995). Relationship beliefs & expectations of satisfaction in marital relationship, implication for.... *Family Journal vol. 3*, p. 298.
- Pines A. M. (1996). *Couple burnout: Causes and Cures*. London Routledge.
- Stackert, R. Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, genered irrational relationship beliefs & young adult romantic relationship satisfaction. *Personality & Individual Defferences, Vol. 34(8)*, p. 1419.
- Wood, T. J. (1998). *Interpersonal communication: Everyday encounters*. New York: Wadsworth Publishing Company.
- Young, M. E. and Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. brook/Cole Publishng Company.